

● **قرارداد ازدواج از زمره قراردادهایی است که اخلاق نقش بسیار مهم و مؤثری در آن دارد.**

● **قانون آن هنگام به کار می آید که افرادی را جز به زور به هیچ منطقی تسلیم نمی شوند به پذیرش عدالت وادار می کند.**

در شماره گذشته گفته شد که جهل به قانون، برآزنده شما نیست و لازم است زنان با کسب اطلاعات و آگاهی‌های حقوقی با حقوق و تکالیف خود آشنا شوند تا در هنگام برخورد با مسائل و مشکلات زندگی کمتر آسیب دیده و سنجیده‌تر عمل کنند. وعده کردیم که از این شماره آموزش حقوق آغاز می‌شود. اگر شما نیز پس از مطالعه این مطالب پرسشی برایتان مطرح شد، آن را به نشانی مجله حقوق زنان بفرستید تا پرسش شما را که کارشناسان حقوقی مجله پاسخ گفتند برایتان ارسال یا چاپ کنیم.

نخست به سراغ قانون مادر، قانون اساسی می‌رویم و سپس قانون مدنی را می‌کشاییم و بحث خواستگاری را شروع می‌کنیم.

نگاه قانون اساسی^(۱) به زن

قانون اساسی در مقدمه خود با عنوان «زن در قانون اساسی» اینگونه به شأن و کرامت زن می‌پردازد:

«در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف

خانوادگی و محیط پرتنش خانوادگی نجات می‌دهد رعایت مسایل اخلاقی و ایمانی و احترام و عشق به افراد خانواده است. چه قانون بعضاً مواردی را مثل سوء معاشرت زوجین و یا طلاق به دست مرد و یا موارد مربوط به حضانت بیان کرده است ولی این موارد در شرایط اختلاف در خانواده است. در حالی که اگر به اخلاق و مذهب پایبند باشیم و پیرو دستورات قرآن کریم که در همه ابعاد زندگی ما را هدایت می‌کند، باشیم، هیچگاه روابط ما به اختلاف منجر نخواهد شد و راهی دادگستری نمی‌شویم. چون تعدادی از قوانین و مواد قانونی ضمانت اجرای لازم را ندارد مثل تمکین. هیچ زنی را نمی‌توان وادار کرد که فرضاً از شوهر خود تمکین کند. یا اینکه مردی بین دو زن خود عدالت قلبی برقرار کند. اگر چنین مردی قرآن را درک کند می‌فهمد که به عدالت قلبی دست نخواهد یافت لذا مسئله تعدد زوجات منتفی خواهد شد. به هر صورت من معتقدم در کنار تضمین‌های قضایی و قانونی که وجود دارد برای حمایت از خانواده برخورداری از اخلاق و ایمان می‌تواند ما را در داشتن خانواده‌ای سالم هدایت و راهنمایی کند.

- در خاتمه آیا توصیه‌ای هم جهت رعایت حقوق زنان به مردان دارید؟

- من معتقدم که همیشه هم زنها مظلوم نیستند. گاهی هم مردان مظلومند. ما بیائیم مسائل و مشکلات زن و مرد را به عنوان دو انسان که از نظر خلقت با یکدیگر متفاوت هستند اما از نظر رابطه زندگانی می‌بایستی که در کنار هم و با هم باشند را مورد بررسی قرار دهیم. گمان نکنیم که همیشه زنها مورد ستم هستند اگر چنین فرض کنیم آنوقت مردها می‌گویند چرا پای درد دل ما نمی‌نشینید. ما هم گاهی مورد ظلم هستیم. من معتقدم اگر مردی معتقد به رعایت حقوق زن باشد که لازمه آن آگاهی کافی از حقوقی است که یک زن دارد، هیچوقت حق زن یا دختر خود را پایمال نخواهد کرد. زیرا همین مرد مادر و خواهر دارد و طبیعتاً نمی‌خواهد که حقوق آنها توسط پدر یا شوهر خواهرش ضایع شود. بنابراین این آگاهی را باید همه - زن و مرد - داشته باشند تا هیچ حقی تضییع نشود.

- با تشکر از جنابعالی □

مراجعه کننده به دادگاه معتقدند که بسیاری از اسرار زندگیشان را که نمی‌توانند با قضات مرد در میان بگذارند به راحتی برای خانم مشاور در میان گذاشته‌اند. همچنانکه در مورد سئوالی که در مورد وکلای زن پرسیده بودید و به آن اشاره کردم طبیعتاً خانمهای مشاور با آگاهی از مسایل خصوصی‌تر از زندگی فرد می‌توانند ضمن شرح آن برای قاضی، دادگاه را در تصمیم‌گیری صحیح یاری دهند. امیدوارم روزی برسد که در هر یک از دادگاههای خانواده یک زن قاضی حضور داشته باشد.

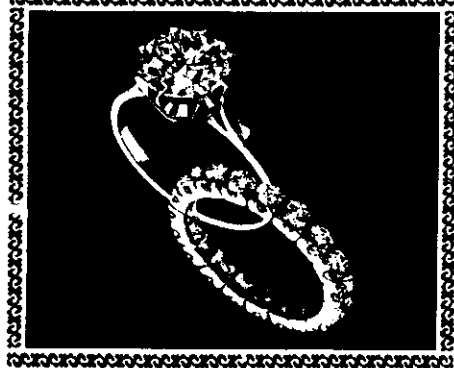
- زنان در مراجعات خود مکرر از بینش و منش قاضی در رسیدگی به پرونده‌اشان می‌گویند. به نظر شما قاضی رسیدگی کننده به پرونده‌های خانوادگی باید چه ویژگی داشته باشد؟

- در قانون آمده است که قضات دادگاه خانواده باید متأهل و حداقل چهار سال سابقه خدمت قضایی داشته باشند. این تأکید به نظر من اقدام ارزنده‌ای است چه علاوه بر اینکه در این قانون مشخص شده است که یک نفر زن قاضی به عنوان مشاور در دادگاه باشد شرایط قاضی دادگاه خانواده را هم بیان کرده است. اما من معتقدم که شاید چهار سال سابقه خدمت قضایی کافی نباشد. رسیدگی به مسائل خانوادگی و صدور حکم احتیاج به تجربه بیشتر و صبر و حوصله فراوانی دارد که این مهم حاصل تجربه بیشتر خواهد بود. به نظر من قضات دادگاه خانواده حداقل باید ده سال سابقه کار قضایی داشته باشند چه بهتر می‌توانند در امور خانوادگی اتخاذ تصمیم کنند. قاضی با چهار سال سابقه هنوز جوان است و شاید خود تجربه چندانی از زندگی خانوادگی نداشته باشد. علاوه بر سابقه کار قضایی معتقدم که خود قاضی نباید دچار مشکلات و اختلافات خانوادگی باشد بلکه باید یک شوهر و پدر نمونه بوده و اصولاً خانواده او از اختلافات بدور باشند و الا نمی‌تواند بیطرفانه قضاوت کند.

- با توجه به تجربه‌اتان چه توصیه‌ای به زنان دارید تا به تفاهم خانواده آنها کمک کند و کمتر گذرشان به دادگاه بیفتد.

- شخصاً معتقدم آنچه که ما را از اختلافهای

هما مهری



حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت «شمنی بودن» و یا «ابزار کار بودن» در خدمت اشاعه مصرف زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن باز یافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری در پرورش انسانهای مکتبی پیش آهنگ و خود هم‌رزم مردان در میدانهای فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و گرامتی والاتر خواهد بود»

و پس از ورود در اصول گوناگونی که برشمرده است دربارهٔ حمایت قانونی از زن چنین می‌گوید:

«اصل بیستم: همهٔ افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

قانون اساسی تأمین حقوق زن را در زمینه‌های گوناگونی که به صراحت در اصل بیست و یکم آورده است از وظایف دولت می‌داند:

«اصل بیست و یکم: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

۲- حمایت مسادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست.

۲- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست

۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی»

آنچه در اصول قانون اساسی بیان می‌شود، عموم مردم را شامل می‌شود و آنچه که ما برشمریم نشانگر توجه خاص قانون اساسی نسبت به زن به دلیل نیاز به حمایت و توجه بیشتر زنان در جامعه است.

قانون مدنی (۲)

قانون مدنی در بردارنده مقررات جزئی‌تر و گونه‌گونی است، همچون: احوال شخصی، (۳) اهلیت، حجر، قیمومت، نکاح، طلاق، قرابت، نفقه، حضانت، ولایت، اموال و دارائی، شامل می‌شود. این قانون در سه جلد اموال، اشخاص و ادله اثبات دعوی جایگاه ویژه‌ای در روابط انسانها خصوصاً روابط خانواده دارد و بیشترین موادی که می‌تواند به روابط و تنظیم خانواده بینجامد در این قانون است. (۴)

از مهمترین بخشهای قانون مدنی جلد اشخاص است که به تابعیت، قرابت، ازدواج، طلاق، حقوق و تکالیف زوجین، حضانت و قیمومت پرداخته است و قوانین مربوط به خانواده نیز در قانون مدنی وجود دارد. پیش از ورود به بحث اصلی باید بدانیم قانون چه اثری در روابط افراد دارد و این میان چه نقشی ایفا می‌کند. آیا وجود قانون موجب قانونمندی است و صرف وجود آن می‌تواند جامعه را به سوی صلاح ببرد و یا ابزار دیگری نیز برای رعایت قانون مملکت قرار می‌گیرد؟

در همهٔ جوامع بشری آنچه که گاه افراد را از توسل به قانون بی‌نیاز می‌کند همانا اخلاق و رعایت آن در جامعه و روابط بین افراد است. اما آیا همه در روابط خود به اخلاق تمسک پیدا می‌کنند و آیا همهٔ افراد با رعایت اخلاق از توسل به قانون بی‌نیاز می‌شوند؟ پاسخ در این است که همه به اخلاق متوسل نمی‌شوند. اگر چنین بود مشکلی در روابط افراد پیش نمی‌آمد و در جامعه اینقدر حوادث تلخ بروز نمی‌یافت. بزهکاری و ارتکاب جرم و اعمال خلاف عفت و وجود زندان و زندانی نشان از این دارد که قانون به عنوان ابزاری که می‌تواند برای نظم بخشیدن به روابط افراد در جامعه و خانواده به کار رود ابزار

ماده ۱۰۲۴- هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد می‌توان خواستگاری نمود.

ماده ۱۰۲۵- وعده ازدواج ایجاد علقهٔ زوجیت نمی‌کند اگرچه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخته شده باشد بنابراین هر یک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده می‌تواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمی‌تواند بهیچوجه او را مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارتی نماید.

ماده ۱۰۲۶- حذف شده است.

ماده ۱۰۳۷- هر یک از نامزدها می‌تواند در صورت به هم خوردن وصلت منظور هدایائی را که به طرف دیگر یا ابوبین او برای وصلت منظور داده است مطالبه کند. اگر عین هدایا موجود نباشد مستحق قیمت هدایائی خواهد بود که عادتاً نگاه داشته می‌شود مگر اینکه آن هدایا بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده باشد.

ماده ۱۰۳۸- مفاد ماده قبل از حیث رجوع به قیمت در موردی که وصلت منظور در اثر فوت یکی از نامزدها به هم بخورد مجری نخواهد بود. ماده ۱۰۳۹- حذف شده است.

ماده ۱۰۴۰- هر یک از طرفین می‌تواند برای انجام وصلت منظور از طرف مقابل تقاضا کند که تصدیق طبیب به صحت از امراض مسریه مهم از قبیل سفلیس و سوزاک و سل ارائه دهد.

بسیار مناسبی است ولی تنها ابزار نیست. توسل به قانون می‌تواند برای تنظیم روابط بین اشخاص در معاملات از هرج و مرج و تخلف جلوگیری کند و یا در صورت تخلف با مراجعه به دادگاه به جلوگیری از تخلف بینجامد. قانون بهترین پشتوانه و ضامن سلامت جامعه و افراد است ولی قانون همه جا کاربرد دارد؛ همه جا می‌تواند پشتوانهٔ کافی و وافی باشد؟

قانونمندی و توسل به قانون در قراردادهای، شیوهٔ مطلوب و پسندیده‌ای است اما در برخی قراردادهای قانون به تنهایی تأثیر ندارد. قرارداد ازدواج از زمره قراردادهایی است که اخلاق نقش بسیار مهم و مؤثری در آن دارد و چون حقوق مطرح شده در خانواده، حقوق خصوصی شناخته می‌شود، همه می‌دانند که مسائل و مشکلات مطرح شده در آن چارچوب نیز، کمتر به بیرون نفوذ می‌کند. مسائل و مشکلات خانواده‌ها به دلایل فرهنگی و اجتماعی در همان خانواده می‌ماند و جز در موارد حاد در جامعه طرح نمی‌شود.

در سالهای اخیر که برخی از فجایع خانوادگی

● وعده ازدواج، به معنای تعهد زن و مرد به ازدواج با یکدیگر است، بنابراین، این وعده یک اعلام نامزدی ساده است و ارزش نکاح را ندارد و الزامی هم برای آن متصور نیست.

در جامعه مطرح شده است برخی از علما نیز گفته‌اند حقوق خانواده جزء حقوق عمومی است و نباید خصوصی تلقی شود و دولت‌ها موظفند با دخالت خود به کاهش آن فجایع کمک کنند اما به دلیل فرهنگ و عرف حاکم که طرح مسائل خانوادگی را در دادگاهها نکوهش می‌کند، خانواده ما همچنان با حفظ چارچوب سنتی خود در جهت ممانعت از نفوذ بیرونی تلاش می‌کنند.

ما معتقدیم که در استحکام خانواده و حفظ آن اخلاق نقش مهمی دارد و بی‌شک رعایت اخلاق، مبانی خانواده را استحکام می‌بخشد ولی اگر بی‌اخلاقی افزون شد و سلامت اعضای خانواده به خطر افتاد باز هم باید به صرف احترام به حریم خانواده دست روی دست گذاشت؟

ازدواج از زمره قراردادهایی است که در آن اخلاق جایگاه ویژه‌ای دارد و آنچنان با حقوق آمیخته که تفکیک آن بسیار مشکل است. خطر آن وقت است که جامعه به سوی بی‌توجهی به اخلاق و رعایت آن سوق داده شود. و آن وقت است که بیشترین خسارت و ضرر به کانون خانواده وارد خواهد شد.

گفتیم که بیشتر مردم برای تنظیم روابطشان کمتر به قانون و دادگاه روی می‌آورند اما آیا همیشه می‌توان به صرف پایبندی به اخلاق، قانون را نادیده گرفت و کم اهمیت پنداشت؟ در روابط دو انسان (زن و مرد) گرچه اخلاق مهمتر است ولی قانون افرادی را که جز به زور به هیچ منطقی تسلیم نمی‌شوند به پذیرش عدالت وادار می‌کند.

ما با توجه به اهمیت اخلاق در خانواده مبحث خواستگاری را در باب نکاح از مواد ۱۰۳۴ تا ۱۰۴۰ بررسی می‌کنیم.

نکاح (۵) چیست؟

نکاح یا ازدواج عقدی است که به موجب آن زن و مردی، به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی، با هم متحد می‌شوند. نکاح از عقود است که هم جنبه مالی دارد و هم جنبه غیر مالی.

در نکاح نفقه و مهریه از امور مالی و همکاری زن و شوهر در تحکیم مبانی خانواده و تربیت فرزندان از امور غیر مالی است. رضایت صریح زن و مرد و توافق آنان برای تشکیل خانواده موجب تثبیت نکاح می‌شود و قانونگذار لزوم ثبت نکاح را به صراحت در ماده یک قانون ازدواج اعلام کرده است.

● نامزدی یک قول اخلاقی است و بر هم زدن آن بیش از خسارت مادی خسارتی معنوی به فرد وارد می‌کند که جبران‌ناپذیر است.

خواستگاری

مقدمه نکاح، خواستگاری است. خواستگاری به معنای پیشنهاد و تقاضای زناشویی از طرف مرد به زنی است که بتواند با او ازدواج کند. برخی مقصود از زناشویی را ایجاد رابطه جنسی می‌دانند و عده‌ای دیگر معتقدند که هدف اصلی همکاری زن و شوهر است. به هر صورت هدف اصلی از ازدواج که مقدمه آن با خواستگاری شروع می‌شود پای‌بند ساختن زن و مرد به خانواده و مکلف ساختن آنها به نگاهداری و تربیت فرزندان است. از این رو فردی که به خواستگاری زنی می‌رود در صورت توافق، قصد خود را که تشکیل زندگی مشترک و مکلف بودن به نگاهداری و تربیت فرزند است اعلام کرده است.

توافق زن و مرد درباره زندگی مشترکشان، تابع شرایط عمومی قراردادهاست. بدین معنی که هر دو باید راضی به ازدواج باشند و اهلیت برای بستن این پیمان را داشته باشند. از این رو، وعده‌ای که فرد دیوانه یا کودک می‌دهد پذیرفته نیست و اثری ندارد. مضافاً آنکه در ماده ۱۰۳۴ ق. م آمده است: «هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد می‌توان خواستگاری نمود». بدین ترتیب نمی‌توان از زن شوهردار به دلیل خلاف اخلاق حسنه بودن خواستگاری کرد و مواردی از این قبیل.

وعده ازدواج به معنای تعهد زن و مرد به ازدواج با یکدیگر است، بنابراین این وعده یک اعلام نامزدی ساده است و ارزش نکاح را ندارد و الزامی هم برای آن متصور نیست. در حقیقت زن

و مرد، زن و شوهر تلقی نمی‌شوند چون این وعده تعهدی بر انجام عقد است و تا عقد صورت نگیرد آنان ملزم به انجام وظیفه‌ای نخواهند بود. برخی از حقوقدانان این وعده را فقط یک قول اخلاقی می‌شمارند، از این رو ضروری است خانواده‌ها خصوصاً خانواده زن با دقت و هشیاری بیشتری در انتخاب و تحقیق دست بزنند تا بعداً پشیمانی پیش نیاید. ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی با اعلام این که به صرف امتناع از وصلت نمی‌توان از طرف دیگر مطالبه خسارت کرد به وضوح به این بیان صحنه می‌گذارد که خواستگاری و نامزدی صرفاً یک اعلام ساده و یک قول اخلاقی است و بر هم زدن آن بیش از خسارت مادی آن خسارتی معنوی به فرد وارد می‌کند که جبران‌ناپذیر است.

خسارت و مطالبه هدایا

خسارتی که از برهم زدن نامزدی به فرد وارد می‌شود عرفاً در حد هزینه برگزاری مراسم قابل مطالبه است و هزینه‌های دیگر در زمره خسارت به شمار نمی‌روند. حال آنکه خسارت‌های قابل مطالبه فقط زیناهای مادی نیستند. خسارت واقعی در شکست روحی و صدمه‌های عاطفی است که نمی‌توان از آنها چشم پوشید ولی در ارزیابی این گونه خسارت، اتفاق نظر وجود ندارد و با تعریف و تفسیرهای متفاوت خسارت اصلی که همانا صدمات روحی است محاسبه نمی‌شود.

برخی از حقوقدانان با استناد به ماده اول قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ معتقدند که در مورد ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی هم می‌توان مطالبه خسارت معنوی کرد.

در مورد مطالبه هدایا در ماده ۱۲۰۷ آمده است که هدایا قابل استرداد است. هدایایی که در دوران نامزدی داده نشده است، چون مشروط به وقوع نکاح بوده به اهداء کننده بازگردانده می‌شود.

وضعیت هدایای مصرف شدنی با هدایایی که عادتاً نگهداری می‌شود متفاوت است. مثل شیرینی و میوه که مصرف شدنی است و قابل مطالبه نیست. اما برخی از هدایا چون حلقه نامزدی از زمره هدایایی است که عادتاً نگهداری می‌شود و قابل استرداد است.

یادآور می‌شویم که نامه‌های رد و بدل شده در زمره هدایایی است که قابل پس گرفتن است چون در صورت بر هم خوردن نامزدی احتمال سوء استفاده از آن وجود دارد. ممکن است

پرسیده شود که چرا چنین سهل و آسان می‌توان نامزدی را بر هم زد و برای ملزم ساختن فرد به استمرار نامزدی هیچ سختگیری صورت نمی‌گیرد. در پاسخ گفته می‌شود که قانونگذار می‌خواهد زن و مرد هنگام عقد آزاد باشند و هیچ امری در تصمیم‌گیری آنها دخالت نکند.

گواهی پزشک

ماده ۱۰۴۰ قانون مدنی درباره انجام وصلت می‌گوید، از طرف مقابل باید تقاضای گواهی پزشک شود تا فرد از سلامتی و یا بیماری نامزدش مطلع شود. به همین منظور قانون لزوم ارائه گواهینامه پزشک پیش از ازدواج مصوب ۱۳۷۹/۹/۱۳ در ماده دو می‌گوید: کلیه دفاتر ازدواج مکلفند که قبل از وقوع ازدواج از نامزدها گواهینامه پزشک را برداشتن امراض مسریه مهم که نوع آنها از طرف وزارت دادگستری تعیین و اعلام می‌گردد مطالبه نموده و پس از بایگانی آن به عقد و ازدواج و ثبت آن با قید موجود بودن گواهی پزشک بر تندرستی نامزدها اقدام نمایند.

تبصره - دختران از داشتن گواهینامه پزشک در قسمت امراض زهروی معاف هستند. □

پاورقی:

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات سال ۱۳۶۸ دارای یک مقدمه و ۱۷۷ اصل است که در فصول ۱۴ گانه آن تشکیلات و روابط قدرتهای عمومی و اصول مهم حقوق عمومی یک کشور را مشخص می‌کند.

۲- قانون مدنی مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ با اصلاحات بعدی

۳- احوال شخصیه عبارت از مجموع صفات انسان که به اعتبار آنها یک شخص در اجتماع دارای حقوق شده و آن حقوق را اجراء می‌کند مانند ازدواج، اقامتگاه و اهلیت و غیره.

۴- غیر از قانون مدنی، قانون امور حسبی، قانون اجرای احکام مدنی، قانون راجع به ازدواج و قانون حمایت خانواده از زمره آن است.

۵- ترمینولوژی حقوق

منابع:

حقوق خانواده - دکتر ناصر کاتوزیان

حقوق خانواده - دکتر محمد جعفر جعفری

لنگرودی

قانون مدنی

خواهش

سیمیندخت وحیدی

از داغ هم زخمی ترم، لختی نگاهم کن
 ۲ سیمرخ بی‌بال و پرم، لختی نگاهم کن
 این روزها یک بغض سنگین در گلو دارم

در انتظار نشترم، لختی نگاهم کن
 حتی در این یک لحظه هم غافل نمی‌ماند
 خشم تیر بر پیکرم، لختی نگاهم کن
 از غیب دستی می‌رسد، انگار می‌بینم
 بیرون برد زین معبرم، لختی نگاهم کن
 از بس نفسگیر است امشب این فضا برگرد

بنشین کنار بستم، لختی نگاهم کن
 مانند سببی دارم از این شاخه می‌افتم
 وقف تکانی دیگرم، لختی نگاهم کن
 بگذار با جرأت بگویم، شعله می‌روید
 از انزوای خاطر، لختی نگاهم کن
 این خواهش خاموش را در چشم من دیدی؟

تاگر نگیرد باورم، لختی نگاهم کن.

غریبه

فاطمه راکعی

هی! باتوام! سلام غریبه
 یک حرف، یک کلام غریبه
 از پینه‌های دست تو پیداست
 من با تو آشنام غریبه
 چشمت چه قدر خاطره دارد
 از جبهه از امام غریبه
 پشت تبسم تو روان است
 یک گریه مدام غریبه
 دردی که در نگاه تو جاری است
 حرفی است بی کلام غریبه
 ماییم و یک غرور شکسته
 یک راه ناتمام غریبه
 با زانوان خسته روانی
 راه تو مستدام غریبه